

باغبان و نجار

دبیرگامه‌ای جدید علم روان‌شناسی رشد
بر باب رابطه والدین و فرزندان

آلیسون لوپیک

ترجمه
مریم پرومندی

فرهنگ‌نشر نو
با همکاری نشر آسپه
تهران - ۱۳۹۹

باغبان و نجار

دیدگاه‌های جدید علم روان‌شناسی رشد

در باب رابطه والدین و فرزندان

ترجمه

مریم برومندی

The Gardener and the Carpenter: از

*What the New Science of Child Development Tells Us
About the Relationship Between Parents and Children*

Alison Gopnik

Farrar, Straus and Giroux, New York, 2016

فرهنگ نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۹

شمارگان ۱۱۰۰

ویرایش نخست نگار گودرزی

ویرایش دوم تحریریه نشر نو

صفحه ۱۰ مرتضی فکوری

طراح آلد کمت مرادی

چاپ ال

ناظر بهمن راج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه

گوپنیک، آلیسون، ۱۹۵۵ - م

مشخصات نشر

تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۸، ۱۱۰۰ ص.

مشخصات ظاهری

۳۵۰ ص.

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰-۱۴۹-۹

وضعیت فهرست‌نویسی

فیبا

موضوع

روان‌شناسی رشد؛ کودکان -- روان‌شناسی؛ آثار علمی

شناسه افزوده

برومندی، مریم، ۱۳۶۳ - مترجم

رده‌بندی کنگره

BFV۱۳

رده‌بندی دیویی

۱۵۵/۴

شماره کتاب‌شناسی ملی

۵۷۱۲۸۸۵

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

www.nashrenow.com فروشگاه اینترنتی

قیمت ۵۲,۰۰۰ تومان

یادداشت مترجم

انسان خردمند، بدون هر گونه جانوری دیگر، همواره در تلاش برای بقا و زنده نگه داشتن نسل خویش بوده است. انسان از زمان پیدایشش، در حدود بیش از ۲۰۰ هزار سال پیش، در جوامع کوچکی زندگی کرده است و جدال مداوم هزاران ساله‌اش برای رفع نیازهای اولیه‌ای همچون آب و غذا، پناه‌گاه و نیز آمادگی دائمی او برای مقابله با خطرات مرگبار و غیرمنتظره، گونه‌ای خلاق و مبتکر ساخت. این گونه هزاران سال را در کوچ مداوم برای یافتن منابع جدید و فتح آشیان‌های بکر سپری کرد تا اینکه در حدود ده هزار سال پیش، اندک کشاورزی و دامپروری، یکجانشین شد. در دسترس بودن مواد غذایی، مسألهٔ «هنگام غذا» برای انسان تا حد زیادی حل کرد. از آن تاریخ تا به امروز انسان به جای «زنگار شدن» با محیط اطرافش، محیط را بر اساس نیازهایش تغییر داده، بسیاری از نیازهای او را با ماشین‌ها رفع کرده است و بیماری‌هایی را که در قرون گذشته از کشته‌ها پشته می‌ساخته، ریشه‌کن کرده است. به این ترتیب، امروزه بخش عمده‌ای از مسائل و مشکلاتی که زمانی ذهن و انرژی انسان را درگیر می‌کرده‌اند، حل شده و از بین رفته‌اند.

در دورهٔ کنونی که انسان در مرفه‌ترین و آسوده‌ترین دوران عمر گونه‌اش به سر می‌برد، در حال توجه نشان دادن به پرورش فرزندانش به شیوه‌ای کاملاً متفاوت با روش‌های گذشته است. امروزه آنچه با عنوان فرزند موفق مطرح می‌شود، از نمادهای مهم قدرت و ارزشمندی به حساب می‌آید. فرزندان موفق طبق تعریف

رایج، بچه‌هایی هستند که در مدرسه نمره‌های ممتازی دارند و در دوران کودکی و نوجوانی اولویت زندگی آنها آماده شدن برای ورود به مدارس نمونه و دانشگاه‌های مهم است.

تا به حال به این فکر کرده‌اید که چرا ممتاز بودن فرزندانمان در مدرسه و داشتن تحصیلات دانشگاهی تا این اندازه برای ما مهم است؟ و چرا آنها را برای یادگیری چیزهایی که علاقه‌ای به آنها ندارند، تحت فشارهای شدید قرا می‌دهیم؟ تأکید بیش از حد بر این ملاک‌ها، تا چه حد ما را از مسائل مهمتری که بچه‌ها در کودکی و نوجوانی باید به آنها بپردازند، غافل می‌کند؟ وظیفه ما به عنوان والدین در رویارویی با فرزندان بازیگوش، خیالپرداز و گریزان از مدرسه چیست؟ آیا الگوی تربیتی رایج، شایسته‌ی ما است؟ برای پرورش نسلی خلاق، شاد و خوشبخت است؟

پاسخ به این پرسش‌ها، بخشی از مسائل مهمی است که نویسنده این کتاب، آلیسون گریس، به تازمه صیل به آن پرداخته است. او استاد علوم شناختی و روان‌شناسی رشد در دانشگاه برکلی، آمریکا و از سرشناس‌ترین صاحب‌نظران در این حوزه مطالعاتی است. در این کتاب او به کار بردن مثال‌هایی از زندگی خود، بچه‌ها و نوه‌هایش و نیز نتایج تحقیقات استرود خود، سایر پژوهشگران، نکات بسیار مهم و حیاتی را در مورد کارکرد مغز و مراحل رشد و تربیت کودکان گوشزد می‌کند. او از شیوه تربیت والدین آمریکایی، انتظارات آنها از فرزندان‌شان و خطاهای رایج رفتاری با کودکان می‌گوید.

با خواندن این کتاب در کمال تعجب خواهیم دید که شیوه تربیت و انتظارات والدین ایرانی بسیار مشابه والدین آمریکایی (و در سراسر دنیا) است. اینکه چه اتفاقاتی در تاریخ انسان او را به این نقطه رسانده است، از نکات مهم دیگری است که گوپنیک با بیان مثال‌هایی بسیار زیبا و مشخص به آن پرداخته است. خواندن این کتاب که تماماً مبتنی بر نتایج تحقیقات منتشر شده علم است، پنجره‌ای جدید در زمینه تربیت کودکان بر روی مخاطب می‌گشاید و تصویر جدیدی از ارزش مهارت‌آموزی و بازی در کودکی به ما می‌دهد.

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه: تناقض‌ها را -
۱۹	از تربیت نامیده شدن
۲۲	تناقض‌ها
۲۳	تناقض‌های دوست داشتن
۲۴	تناقض‌های یادگیری
۲۸	یگانگی دوران کودکی
۳۰	باغ کودک
۳۵	۱ در مخالفت با تربیت
۴۱	در ستایش بی‌نظمی
۴۵	ایده‌هایی که به جای ما می‌میرند
۴۶	کاویدن در برابر بهره‌برداری
۵۲	والدین حمایتی
۵۵	۲ تکامل کودکی
۵۵	دو تصویر
۶۰	فراتر از حوادث بداهه
۶۵	تناقض نابالغی

- ۷۲ یادگیری، فرهنگ و چرخه‌های بازخوردی
۷۶ تنوع‌پذیری: ناشناخته‌های غریب
۷۷ بازگشت به تربیت

۳ تکامل دوست داشتن

- ۸۳ پیوند زناشویی: مسأله‌ای پیچیده
۹۱ تنوع عشق
۹۵ مادر بزرگ‌ها
۹۹ دگر والدها
۱۰۲ م‌ما- تعهد
۱۰۹ بسته‌های تعهد
۱۱۱ هنرهای مهد
۱۱۳ عده و تربیت

۴ یادگیری از طریق مد

- ۱۱۸ بازیگران کوچک
۱۲۰ اسطوره نوروں‌های ایبه‌ای
۱۲۵ تولد تقلید
۱۲۶ یادگیری درباره جهان
۱۳۲ وقتی که بچه‌ها بهتر از بزرگسالان هستند
۱۳۵ تقلید افراطی
۱۳۹ مراسم
۱۴۳ تقلید در میان فرهنگ‌ها
۱۴۱ انجام دادن کارها با هم

۵ یادگیری از طریق گوش دادن

- ۱۵۱ یادگیری از اظهارنظرها
۱۵۴ اطمینان داشتن به خود
۱۵۵ چه کسی را باور می‌کنید؟

۱۵۹	قصه‌گویی
۱۶۸	پرسش‌ها و توضیحات
۱۷۲	چرا بپرسیم چرا؟
۱۷۶	پرسش بنیادین
۱۸۶	اجازه دهید خودش کشف کند

۱۹۱	نمار بازی
۱۹۵	موش‌های شلوغ‌کار
۱۹۹	دست به دست به همه کار
۲۰۴	بهره‌های رنگی و پوپر
۲۰۸	ساختن ایمان
۲۱۰	بچه‌های نظریه‌بیری
۲۱۶	انواع ذهنیت‌ها
۲۱۹	ربات‌های رقاص
۲۲۲	فراتر از خانم هاویشام

۲۲۹	بزرگ شدن
۲۳۵	کارآموزی
۲۳۹	مهارت‌های مدرسه‌ای
۲۴۲	متفاوت فکر کردن
۲۴۶	اختلال کم‌توجهی
۲۵۰	مدرسه رفتن و یادگیری
۲۵۲	افراد در زمین بازی
۲۵۷	دو سیستم نوجوانی

۲۶۹	آینده و گذشته: بچه‌ها و فناوری
۲۷۵	مغز مطالعه‌کننده
۲۸۱	دنیای صفحات نمایش
۲۸۴	بهشت و مکس دیوانه

مقدمه: تناقض های والد

چرا باید والد سا؟ م'قبت: بچه ها کاری پرزحمت و طاقت فرسااست، با این همه برای بیشترمان حقیقاً لذت بخش هم هست. چرا؟ چه چیزی آن را ارزشمند می کند؟

یک جواب معمول به این پرسش، به خصوص برای پدر و مادرهای سطح متوسط امروزی این است که، شما یک والد هستید پس می توانید چیزی که «تربیت»¹ نامیده می شود را انجام دهید. «والدینی کردن»² یک فعل هدف محور است، یک شغل که نوعی کار را توصیف می کند. هدف این است که به نحوی بچه شما به فرد بالغی بهتر، شادتر و موفق تر از آنچه می تواند باشد یا (اگرچه این را بلند نمی گوئیم) بهتر از بچه همسایه تبدیل شود. تربیت درست، بچه ای درست تولید خواهد کرد که مثلاً به بزرگسال درستی بدل خواهد شد.

البته، افراد گاهی کلمه «تربیت» را فقط برای توصیف کاری که پدر و مادر واقعاً انجام می دهند به کار می برند. ولی اغلب اوقات، به خصوص امروزه، «تربیت» بیشتر به کاری که پدر و مادر باید انجام بدهند، اشاره

می‌کند. در این کتاب، استدلال خواهم کرد که این تصویر تجویز شده از تربیت، از دیدگاه‌های علمی، فلسفی، سیاسی و حتی از دیدگاه فردی، اساساً گمراه‌کننده است. فهمیدن اینکه والدین و بچه‌ها در واقع چگونه فکر و عمل می‌کنند روشی غلط است، به همین میزان این دیدگاه که آنها چگونه باید فکر و عمل کنند هم غلط است. و در واقع زندگی را برای والدین و بچه‌ها بدتر کرده، نه بهتر.

ایده تربیت، چنان فراگیر و اغواکننده است که ممکن است امری مسلم، مشخص و بدیهی به نظر برسد. ولی همین‌طور که والدین، به‌طور بسیار مشخص مادی که در حال نوشتن این کتاب است، جاذبه الگوی تربیتی را پس می‌کنند، آنها هم اغلب به‌گونه‌ای نامطمئن حس می‌کنند که چیزی در این میان غلط است. ما هم از اینکه فرزندان در مدرسه به اندازه کافی خوب نباشد و هم از رنجش به دلیل فشاری که برای خوب بودن در مدرسه به آنها وارد می‌شود، نگریم. بچه‌هایمان را با بچه‌های دوستانمان مقایسه می‌کنیم و بعد به خاطر این کارمان از خود بیزار می‌شویم. ما جدیدترین سرخط خبری که برخی از والدین نوین تربیتی را ستایش یا نکوهش می‌کند، دنبال کرده و بعد می‌گوییم - شاید کمی هم با صدای بلند - ما در واقع فقط بر اساس گزینه‌های رفتار می‌کنیم.

تلاش برای رسیدن به یک نتیجه مشخص و تصمیم خوبی برای بسیاری از اقدامات مهم انسان است. این الگویی درست برای نجارها، نویسندگان و تاجران است. شما می‌توانید با توجه به کیفیت صندوق‌هایمان، کتاب‌هایتان یا سطح درآمد شرکتتان، قضاوت کنید که آیا یک نجار با تجربه یا رئیس شرکت خوبی هستید. تربیت هم از الگوی مشابهی پیروی می‌کند. یک والد، به‌نوعی یک نجار است. البته هدفش نه تولید یک نوع محصول مشخص مثل یک صندوقی، بلکه تولید یک شخص ویژه است.

در دنیای کار، تخصص به موفقیت ختم می‌شود. وعده تربیت هم این است که یک سری روش‌ها و تخصص‌های مشخصی وجود دارند که والدین

با کسب آنها می‌توانند زندگی فرزندانشان را سروسامان دهند. در این زمینه صنعتی عظیم شکل گرفته است که وعده می‌دهد این تخصص را دقیقاً در اختیاران می‌گذارد. بیش از شصت هزار کتاب در بخش تربیت سایت آمازون هست که در عنوان بیشترشان واژه «چگونه» به چشم می‌خورد.

البته بسیاری از کتاب‌های مربوط به تربیت، توصیه‌های عملی در مورد والدین ارائه می‌دهند، ولی بیشترشان این وعده را می‌دهند که اگر والدین روش‌های درست پیروی کنند، می‌توانند تفاوتی اساسی در آینده بچه‌هایشان ایجاد کنند.

به هر حال این تربیتی تنها چیزی نیست که بتوان در کتاب‌هایی که «چگونه» در عنوانشان دارند، پیدا کرد. این الگو، به‌طور کلی، شیوه اندیشیدن افراد را در رابطه با پرورش بچه‌ها شکل می‌دهد. من روان‌شناس رشد هستم، تلاش می‌کنم رباب که ذهنیت بچه‌ها چگونه است و چرا آنها این چنین هستند. با وجود این، به‌خاطر موضوع هرکسی که تا به حال با من در مورد دانش دوران کودکی مصاحبه کرده، چند پرسش درباره‌ی اینکه والدین چه باید بکنند و تأثیر بلندمدت کاری که والدین انجام می‌دهند چه خواهد بود، مطرح کرده است.

ایده‌ی تربیت، شروع مهمی برای غم و غصه‌ی بسیاری از والدین و به‌خصوص برای مادران است. این غصه ریشه‌ی «دعواهای بی‌بازمان مادران» است. اگر شما این ایده را بپذیرید که تربیت نوعی کار است، آن وقت باید بین این کار و کارهای دیگر (مثل شغل) دست به انتخاب بزنید. مادران به‌خصوص در این مورد که هم در مادری و هم در شغلشان موفق باشند، به‌شدت حالت تدافعی گرفته و دچار این تناقض می‌شوند که آیا می‌شود هم والد موفق بود و هم در مشاغل دیگر موفق بود؟ و غالباً حس می‌کنند که مجبور شده‌اند بین مسأله‌ی مهم مادر بودن و یا پیشرفت شغلی یکی را انتخاب کنند. گرچه همین چالش‌ها پدران را هم شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد، ولی آنها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.